

دو فرمان

و مهری تازه از پادشاهان صفویه و زندیه^۱

فرامین از جمله اسناد و مدارك پرارجی هستند، كه ارزش و اهمیت آنها در كار مطالعات و تحقیقات تاریخی هر روز آشکارتر میگردد.

این دسته از اسناد گذشته از ارزش تاریخی، باستانشناسی و هنری می‌تواند روشنگر بسیاری از گوشه‌های ناشناخته تاریخ میهن ما از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز باشد.

اگر چه در گذشته باین مدارك پرارج چندان توجهی نشده اما خوشبختانه در سالهای اخیر این اسناد همواره مورد توجه پژوهندگان و گردآورندگان آثار تاریخی و هنری قرار گرفته، و در

بسم

محمد حسن سمسار

۱- از آقای احمدزینی که این دو فرمان و دوسند دیگر را برای بررسی و انتشار در اختیار نگارنده قرار دادند سپاسگزارم.

گردآوری آنها کوشش‌های بسیار بعمل آمده است .
 ناکفته نماند که مجله بررسی‌های تاریخی یکی از پیشگامان این راه
 بوده ، و همواره در معرفی و نشر فرامین تازه گامهای مؤثر و درخور ستایش
 برداشته است .

بامید آنکه روزی شاهد گردآوری همه اسناد از جمله فرامین در یک
 آرشیو بزرگ ملی باشیم، در این شماره بمعرفی دو فرمان تازه و مهمی نویافته
 می‌پردازیم .

کتابخانه ملی و پژوهشگاه

فرمان نخست که بتاریخ ۱۱۲۷ هـ . صادر شده از شاه سلطان حسین صفوی
 (تصویر شماره ۱) و حاوی معافیت مالیاتی سادات میرسالاری (ماسالاری) است .
 چنانکه از فرمان برمی‌آید این گروه در زمان صفویه در ناحیه کوه -
 کیلویه و دیگر نقاط فارس میزیسته‌اند .
 آگاهی ما درباره این گروه نارساست . آنچه از متن فرمان برمی‌آید
 اینان چادر نشین بوده و بکار کله داری میپرداختند .

میرزا حسن حسینی فسائی مؤلف فارسنامه ناصری درباره آنان می‌نویسد:
 «طایفه سادات میرسالاری قبیله از بنی هاشمند و در ناحیه بهمئی کوه -
 کیلویه مانند ایلات ییلاق و قشلاق کنند و معیشت آنها از گاو و گوسفند و بز
 و مادیان و خرباشد .»^۲

همین نویسنده در جای دیگر می‌نویسد :

«طایفه ماسالاری . همه چادر نشین ییلاق آنها کوه سفید دار بلوک خفرو
 قشلاق آنها جلگا قریه کوکان بلوک خفر و معیشت آنها از گوسفند و بز داری
 است و روغن و پنیر گوسفند ماسالاری مشهور است»^۳ نام ماسالاری که بایستی

۲- فارسنامه ناصری ص ۳۳۱

۳- فارسنامه ناصری ص ۳۳۲ جلد ۲

دو فرمان

و همپری تازه از پادشاهان

صفویه و زندیه



بقلم

محمد حسن سمسار

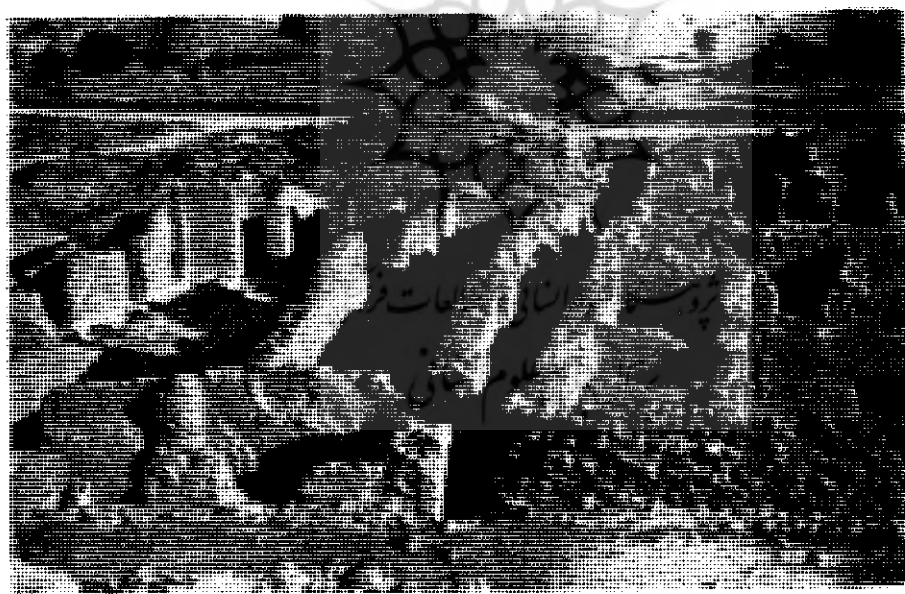


پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

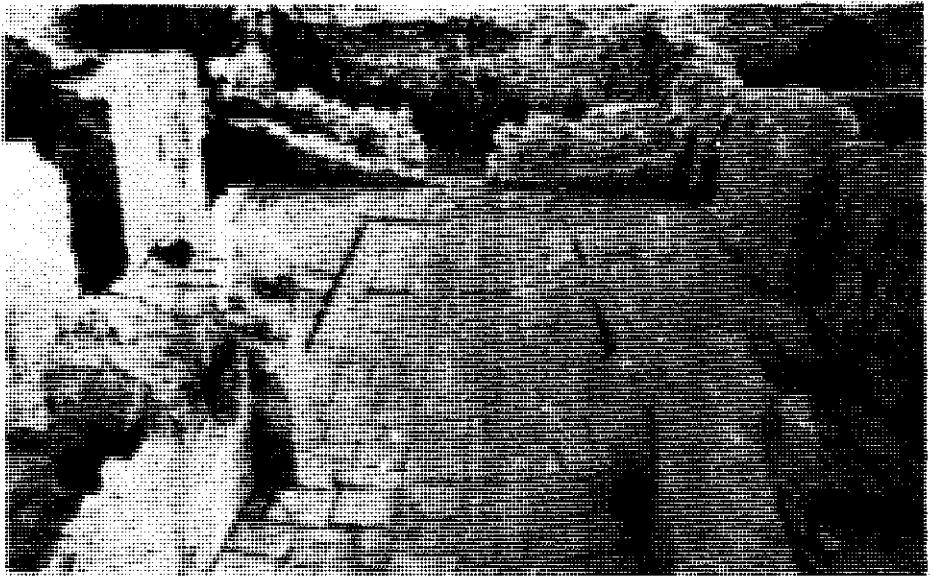
پرتال جامع علوم انسانی



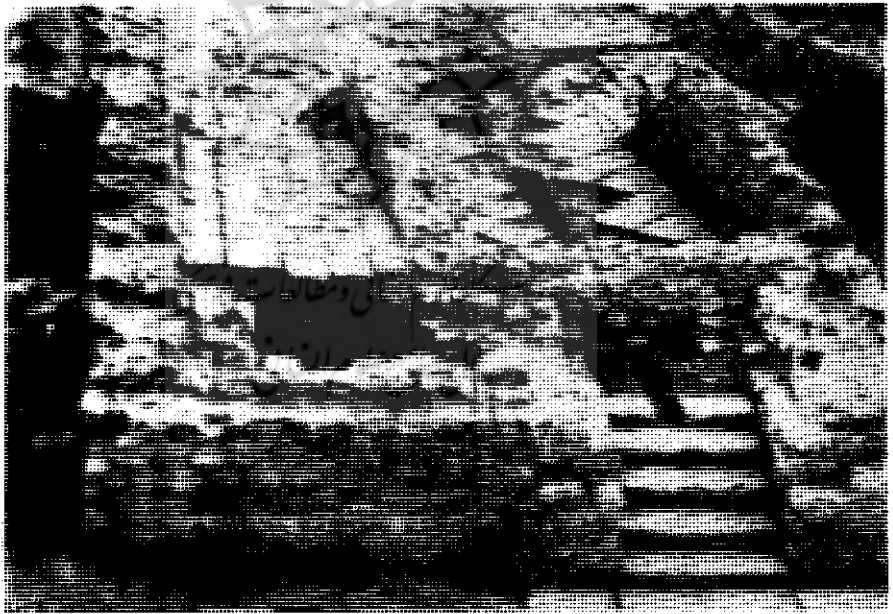
تصویر شماره ۵- محله F منظره عمومی خانه های S و N و R و کوچه های فیما بین آنها



تصویر شماره ۶- محله F قسمت هایی از خانه های E و N و S



تصویر شماره ۳- راهروی ورودی خانه N



تصویر شماره ۴ - بخش شمالی خانه E ، راهروی ورودی و پلکان

کتابخانه مدرسه پسرانه

و گر کون شده میرسالاری باشد در گویش امروز این طایفه بصورت ماسلاری تلفظ میشود .

هم اکنون گروهی از این طایفه در فارس بین فیروز آباد و میمند در دامنه کوه پشمه ای و در نزدیکی تلخ آب که در دامنه همین کوه جاری است ساکنند آنها تابستان زیر چادرهایی که در گردنه دوازده امام (۱۸ کیلومتری میمند) تادوراهی فیروز آباد میمند برپا میکنند و زمستان را در خانه های گلی که در همان ناحیه ساخته اند بسر می برند .

زندگی امروز آنها از راه دآمداری تأمین میشود . لینیات ماسلاری بویژه روغن حیوانی آنها مشهور است . این شهرت بحدی است که لینیات طوایف دیگر را نیز گاهی بنام ماسلاری خرید و فروش میکنند .

مردم این طایفه عموماً کوتاه قدند و کمتر مرد رشیدی در میان آنها دیده میشود . اما آنان مردانی شجاع و تیراندازان و شکارچیان ماهری هستند . در زمان گذشته مردان ماسلاری کار حفاظت و نگهبانی از کاروانهای حامل محصولات میمند مانند گلاب و بادام و غیره را برعهده میکردند . از جمله منابع درآمد دیگر این طایفه در گذشته تأمین سوخت و هیزم برای کار گلاب گیری در میمند بود . آنان چوب را از جنگلهای اطراف محل سکونتشان گردآوری کرده و به میمند میبردند . ماسلاری ها بفارسی و بالهجه ای نزدیک بگویش مردم میمند سخن میگویند .

تابخانه ده و سه طایفه

متن فرمان که متأسفانه بسبب فرسودگی و پارگی کلمات ناخوانا و افتاده بسیار دارد چنین است :

حکم جهانمطاع شد آنکه عالیجاه عمده الامرا العظام متولی مزار کثیر -

۴ - از دوست ارجمند آقای رضا شرفه برای اطلاعاتی که در مورد زندگی طایفه ماسلاری به نگارنده دادند سپاسگزارم .

۵ - این جمله باشکرف نوشته شده است .

الانوار نواب خاقان رضوانمکانی و قورچی باشی و سپهسالارو] [.....] کازرون که چون در [.....] میرملک حسین و میرمحمد مومن اولاد محمد ولد نظام و اولاد نظام ولد نعمت الله و اولاد علی ولد عباس و محمد شریف و شاحسین و سایر [.....] مشایخ میرسالاری بعرض رسانیدند که از قبل میرسالار بن عمران من اولاد امامزاده واجب التعظیم والتکریم و بسبب انتساب با امامزاده مزبور ایشان معاف و مسلم بودند در باب پرو آنچه نواب خاقان خلد آشیان صاحبقرانی که بتاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۰۷۳ شرف صدور یسافته ابراز نمودند، خلاصه مضمون آنکه چون از موسی اولاد شیخ محمد ولد نظام و غیر بعرض رسانیدند که از [.....] فارس و از قبل میرسالار بن عمران موسی و بسبب انتساب با امامزاده واجب التعظیم آبا و اجداد ایشان مرفوع القلم بوده اند و دو نوشته از کلانتران سابق الکاء کو کلویه نیز در دست دارند و مرحوم سیاوش خان قولر آقاسی سابق در ایام تیولداری خود شخصی بجهة جمع کردن رعایای متفرقه الکاء مزبور تعیین نموده [.....] الایشان مبلغ یک تومان سند بعلت مالوجهات گرفته و بیگلربیگی حال کو کلویه باسم ایشان حواله و طلب می نماید. در این باب استدعا و حکم اشرف نموده اند و از دفتر تصدیق شده بود که سیاوش خان در ایام تیولداری خود عرض نموده بود که رعایا الکاء مزبور اکثر احشام و صحرانشین و متفرقند. حسب الحکم مقرر شده که برخی از جماعت مذکور که محل و مکان معین نداشته باشند قول عالی را منظور داشته بعد از خواطر کشتن حسابی که رعیت بر اصل کو کلویه بوده و هستند روانه وطن و مکان قدیمی خود شوند و جمعی که در محل دیوانی کازرون متوطن شده زارع سرکار خواصه شریفه باشند یا در آنجا املاک بهم رسانیده زراعت مینمودند با ایشان قول عالی را منظور داشته تکلیف کوچانیدن نکنند و مال و مقرری که لیاقت احشام متوجه ایشان باشد [.....] مینماید و برای معافی و مسلمی ایشان ثبت حکمی بنظر نرسیده و بموجب حکم اشرف برطبق منال دیوان الصدرة العلیه العالیه که ثبت آن بنظر رسیده تولیت

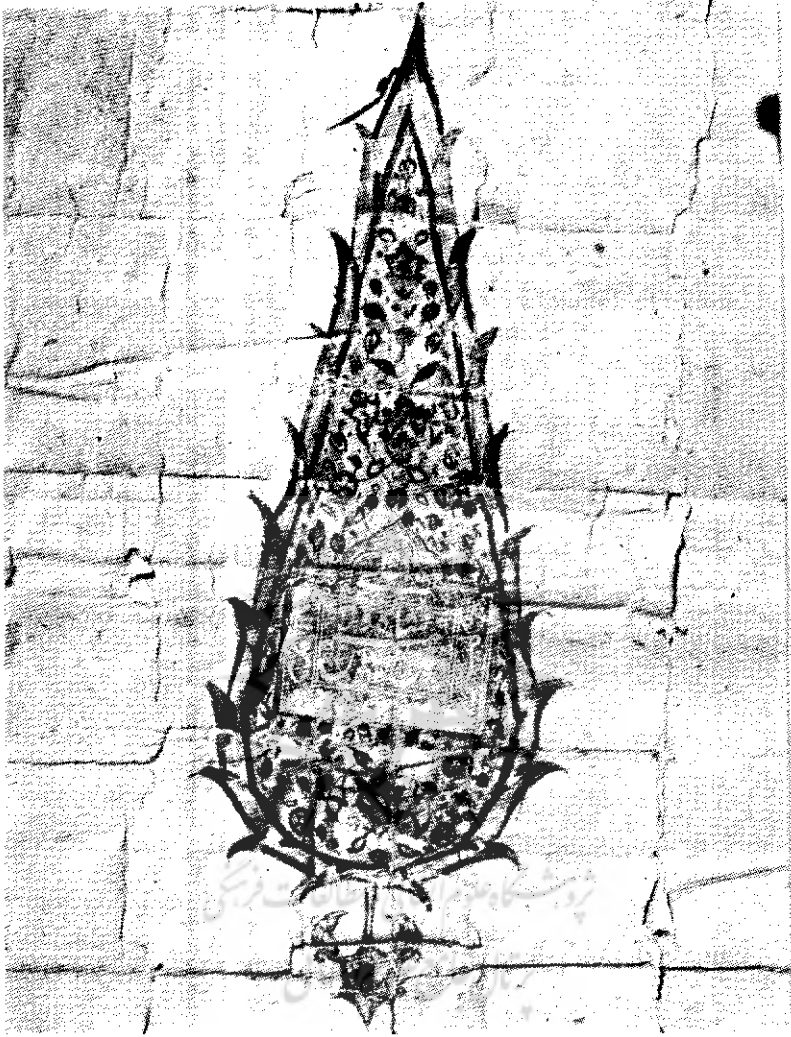
واعانی موقوفات مزار میرسالار بن عمران ب سیادت پناه سید [.....] مرجوع شده مقرر شده که هر گاه جماعت مذکور در الکاء مزبور چیزی که حقوق دیوانی بر آن لازم آید نداشته باشند و در جزء و موافق قانون قدیم باسم ایشان و اباء و اجداد مشارالیهم چیزی جمع نباشد. عمال آنجا بخلاف حکم حساب مزاحمت بحال ایشان نرسانند و موافق معمول و استمرار قدیم عمل نموده رسم محدث جایز ندارند و مشایخ مزبوره نوشتجات الله وردیخان و امام قلیخان و سایر حکام الکاء مزبور را که در دست دارند و در نسخات عمال و حکام که در دفترخانه همایون است و دفاتر [.....] چیزی باسم مشایخ مزبوره جمع نیست. بنابراین مقرر فرمودیم که عالیجاه عمدة الامراء العظام قورچی باشی و بیگلر بیگی [آذربایجان] و کرمان و الکاء فارس و کوه کلویه و مباشران مهمات دیوان آن محال [.....] زمان نواب خاقان مخلد آشیان صاحبقرانی را من اوله الی آخره ممضی و منفذ دانسته بخلاف حکم حساب مزاحمتی بحال مشایخ ماسالاری مزبور نرسانده و تکلیف مالوجها و سیورسات و چریک و هوائی و قلان و بیگار و شکار و طرح دست انداز و آب و عاف خوار و سایر شلتاقات مسوده الابواب بهیچوجه من الوجوه بایشان ننموده قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و در این باب قدغن لازم دانسته همه ساله حکم مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند تحریراً فی شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۱۲۷.

فرمان با مهر چهار گوش تاجداری مهور است که متن آن عبارتست از بنده شاه ولایت حسین ۱۱۱۲ (در وسط) و مهر مسوده دیوان اعلی (در اطراف) (تصویر شماره ۲)

این مهر از گروه مهرهای مسوده است.^۶

این مهر در شماره ۲ سال هفتم همین مجله قبلاً معرفی شده، امانویسنده محترم کلمه اعلی را یا علی خوانده اند.

۶- برای شناخت این دسته از مهرها نگاه کنید به بخش ۲ از مقاله «فرمان نویسی در دوره صفویه، بقلم نگارنده» در شماره ۱ سال سوم همین مجله



تصویر شماره ۲ - مهر مسوده دیوان اعلی - بنده شاه ولایت حسین ۱۱۱۲

فرمان دوم شامل دو بخش است.

بخش نخست عبارتست از عریضه‌ای از سوی خانواده سادات میرسالاری به جعفرخان زند، و بخش دیگر فرمان جعفرخان زند است در پاسخ آن عریضه (تصویر شماره ۳)



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرنال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرنال جامع علوم انسانی

متن عریضه :

عرضه داشت بندگان کمترین

مهر علی و سایر اخوان مشایخ میرسالار [.....]

بدوره عرض ایستادگان پایه سریر خلافت مصیر عرش نظیر بندگان اسکندرشان قیصر و دارادربان سلیمان نشان اقدس ارفع والاروحنا فداه میرسانند.

که قربان خاکپای مبارکت شویم. این سادات عجزه دعاگوی از نسل میرسالار ابن عمران و از ذوریه حضرت رسول صم اباعن جدّه در بیلاقات و قشلاقات فارس و غیره متمکن و از جمیع حواله جات و تحمیلات و عوارضات معاف و مسلم و مرفوع القلم بوجه من الوجوه مطالبه چیزی از کمترینان نمی شده و درین خصوص فرامین سلاطین صفویه انارالله برهانم و فرمان خاقان گیتیستان مغفور در باب صحت نسب و سیادت خود و اینکه رعایت [.....] برکافه انام لازم و محتتم است و مجله بمهر حکام شرع شریف واعزه واعیان شیراز در دست داریم که بنظر امنای دولت ابد مدت میرسد. استدعا والتماس بمراحم بیرون از قیاس آنکه بتصدیق فرق مبارک که حسب فرمان قضا جریان غرا صدور یابد که کمترینان بدستور اباواجداد خود از تحمیلات و عوارضات و دست انداز و بی حسابات معاف و مسلم بوده احدی مزاحمت بر این [.....] نرسانند که موجب امیدواری و متصل دعای خیر خواهد بود الباقی حاکمند امر الاعلی مطاعه

متن فرمان

بسم الله تعالی شانه

فرمان و الا شد

آنکه چون صاحب عریضه شرح بین عرض [.....] از روم خاقان جنت مکان طاب ثراه همیشه اوقات مراعات آنها منظور نظر خواقین با عز و تمکین

بوده است. لهذا اعمال و ضابطان و کلانتران و کدخدایان بلوکات فارس بدستور سابق عمل و در صورتیکه آنها را در بلوک و محلی زراعت و آب و زمین باشد بخلاف حساب بوسیله صادرات و تعدیات و دست انداز متعرض و مزاحم آنها نشوند که آنها مرافه الحال بشغل و عمل رعیتی خود اشتغال و در عهده شناسند.

تحریر فی ۱۲۰۰ نجفقلی

محل مهر

فرمان بمهری چهار گوش ساده ممهور است که از سه بخش تشکیل میگردد. (تصویر شماره ۴) بر بخش میانی مهر در داخل تریج نام جعفر خان بدین شرح کنده شده است.



تصویر شماره ۴ - مهر جعفر خان زند - توکلت علی الله - حسیب الله - وما النصر -
الامن عند الله - الراجی جعفر بن محمد صادقی ۱۲۰۱

«الراجی جعفر بن محمد صادق ۱۲۰۱»

بر حاشیه بالای مهر عبارت « تو کلت علی الله - حسبی الله » و بر حاشیه زیرین جمله « و ما النصر الامن عند الله » نقش بسته است.^۷

این مهر که برای اولین بار خوانده و منتشر میگردد دو مین مهر شناخته شده جعفر خان برادرزاده کریمخان زند است. که در فاصله سالهای ۱۱۹۹ تا ۱۲۰۳ ه. پادشاهی کرده است.

در آغاز این مقاله نوشتیم که فرامین میتوانند روشنگر بسیاری از گوشه‌های تاریخ اجتماعی ایران باشد.

برای نمونه در نخستین فرمان معرفی شده بالا با اصطلاحات مالیاتی گوناگونی برمیخوریم که نشان دهنده چگونگی وضع دهقانان و کشاورزان ایران در سده دوازدهم هجری است. در این دوره انواع مالیاتها و عوارض ممکن را از کشاورزان میگرفتند. در تاریخ های رسمی نمیتوان از این عوارض و چگونگی و مقدار آن آگاه شد. در حالیکه این فرمانها و اسناد مشابه در راه شناسائی اوضاع اجتماعی زمان مربوط کمک شایانی به پژوهندگان راستین تاریخ می کند.

تحقیقات تازه تاریخ اجتماعی نشان میدهد که در قرن یازدهم هجری ۳۵ گونه مالیات و عوارض از رعایا و کشاورزان گرفته میشد.^۸

در عهد شاه عباس بزرگ بسیاری از مالیاتها کاهش یافت و حتی پاره‌ای از آنها لغو گردید. اما پس از او جانشینانش دوباره میزان عوارض و مالیاتها را افزایش دادند و حتی عوارض جدید وضع کردند.^۹ مالوجهات، چریک،

۷- ناگفته نماند که در حاشیه زیرین اثر مهر بخوبی بر کاغذ نقش بسته اما کلمات النصر، من، الله و آثار دیگر کلمات، بنظر نگارنده جمله بالا را شامل میشود)

۸- تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم. ترجمه کریم کشاورز ص ۵۵۹.

۹- همان کتابص ۵۶۰

هوایی، قلان، بیکار، شکار، طرح، دست انداز، آب و علف خوار و جز آن بخشی از مالیاتهای رایج زمان صفویه بود.

بحث پیرامون این مالیاتها و دیگر عوارضی چون چوپان بیکگی، پیشکشی، سلامانه، عیدی، اخراجات و غیره از حوصله این مقاله خارج است. اما بیجا نخواهد بود اگر پیرامون چند گونه از مالیاتهای یاد شده توضیحات کوتاهی داده شود.

مالو جهات: یامال و جوهات مالیات اصلی اراضی یا خراج بود که بیشتر به جنس دریافت میشد و ۱۵ تا ۲۰ درصد محصول را شامل میگشت.^{۱۰}

چریک: عبارت از جنگجویان سهمی هر محل بود.^{۱۱}

قلان: واژه قلان را در فرهنگها گونه ای از خراج که در شیروان گرفته میشد، و عمله قلان را عمله بی مزد و اجرت و عمله بیکار ضبط کرده اند.^{۱۲} این واژه هنوز در میان مردم شیراز رایج است و «کارقلونی» بمعنی کار بی مزد و اجرت و بیکاری معنی میدهد.

بیکار یا بیکار

بیکار عبارت از کار اجباری برای نوسازی و تنقیه قنوات و ساختمان قلاع و کاخها و احداث جاده بود. این نوع کار بسیار شاق و سنگین بود و در ضمن کار هزاران نفر از روستائیان و چارپایان بسیار جان میدادند.^{۱۳}

طرح

در رسمی که بطرح معروف بود و طبق آن روستائیان و ارباب حرف می بایست کالاها و محصولات را بقیمتی نازلتر از بهای بازار به خزانه دولت

۱۰- همان کتاب ص ۵۶۰

۱۱- سازمان اداری حکومت صفوی - مینورسکی ترجمت مسعود رجب نیا ۱۳۳۴

۱۲- ن. ک. به فرهنگهای آنندراج و نفیسی

۱۳- تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم ج/۲- ص ۳۹۴

تسلیم کنند بسیار سنگین و تحمل ناپذیر بود. از جانب دیگر تجار و صنعتگران مجبور بودند خوارباری را که دولت برسم خراج از رعایا گرفته بود چهار تا پنچ بار گرانش از قیمت بازار خریداری کنند و این معامله هم طرح نامیده میشد. «^{۱۴}

آب و علف خوار :

« روستائیان میبایست برای اسبان جو و علف و برای لشکریان آذوقه تهیه کرده تسلیم کنند که علفه و علوفه نامیده میشود. «^{۱۵}

شکار :

راندن نخجیر هنگام شکار امیران نیز یادگاری بود از قوانین قدیم که زارعین و کشاورزان مجبور بانجام آن بودند.

نوشته‌اند که در یکی از شکارهای شاه عباس بزرگ در گیلان نه هزار روستائی را باینکار واداشتند.

موضوع دیگری که در فرمان شاه سلطان حسین دیده میشود اسکان اجباری رعایای هر ناحیه و روستا در زمینهای آن است. « فرمانی در زمان شاه سلطان حسین در سال ۱۱۲۲ هـ - ۱۷۱۰ م. صادر شد، موضوع تقید روستائیان بزمین و محل اقامت دائمی و مسئله مالیات مجدداً تأیید شد.

رعایائی که خود سرانه بنقاط دیگر مهاجرت میکردند بمحض کشف موضوع تا دوازده سال با جبار بمحل اقامت سابق خویش بازگردانیده میشدند ولی پس از انقضای مدت دوازده سال مجتنبو و بازگرداندن آنان مجاز نبود و میبایست نام آنها در صورتهای مالیاتی محل اقامت جدید ثبت گردد. «^{۱۶}

کتابخانه مدرسه فیهلم

در فرمان مورد گفتگوی ما بکار گردآوری و بازگرداندن کشاورزان

۱۴ - همان کتاب ص ۳۹۷

۱۵ - « » « ۳۹۳

۱۶ - همان کتاب ص ۶۰۹

ورعایا، محل اصلی سکونت خود و مقید ساختن آنها بکار در زمین های معین اشاره شده است .

« و مرحوم سیاوش خان قولر آغاسی سابق در ایام تیولداری خود شخصی بجهت جمع کردن رعایای متفرقه الکاء مزبور تعیین نموده... » بدین سان تقید رعایا به زمین های هر ناحیه بویژه الکاءها که شامل زمینهای بود که شاه بسرداران هدیه میکرد سخت رعایت میگردید. گمان دارم که با ذکر نمونه های یاد شده از بررسی فرامین بالا روشن شده باشد که چگونه میتوان از اسناد و مدارکی چون فرامین بسود روشنگری گوشه هایی از تاریخ اجتماعی گذشته بهره جست.

